

عنوان اثر: مکتب فرانکفورت  
مؤلف/ مترجم: تام باتامور / محمود کتابی  
ناشر/ سال نشر: پرسش / ۱۳۷۳

### معرفی، نقد و بررسی

کتاب باتومور را در سال ۱۳۷۳ محمود کتابی به فارسی برگردانده است، ضمن نگاهی تازه و بحث‌برانگیز به نقش مکتب فرانکفورت در گسترش و تکامل جامعه‌شناسی نوین، به بررسی و ارزیابی موضوعات و مقولات عدیده‌ای می‌پردازد که تا پیش از این، در جای دیگری بررسی نشده بود. وی غفلت نظریه پردازان انتقادی از تاریخ و اقتصاد سیاسی را مورد بحث قرار داده و به بررسی رابطه مکتب فرانکفورت با جنبش‌های رادیکال دهه ۱۹۶۰ و دوران حاضر می‌پردازد.

تحلیل انتقادی باتومور از آراء نویسندگان مکتب فرانکفورت از طریق ارزیابی آثار آنان و کشف رابطه نظریه انتقادی با سایر اشکال تفکر جامعه‌شناختی، به ویژه پوزیتیویسم و مکتب ساختگرا، موجب قابل فهم شدن نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های نویسندگان این مکتب گشته است.

کتاب با بیان مقدمه‌هایی لازم (به جز دیباچه ناشر<sup>۱</sup>) آغاز می‌شود و سپس شکل‌گیری تحولات مکتب فرانکفورت را در طول یک دوره پنجاه ساله، طی چهار مرحله به دقت و آرام دنبال می‌کند و سپس دست به نوعی نتیجه‌گیری ارزیابانه و انتقادی از کار این مکتب و انتقادات وارد بر آن می‌زند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup> - دیباچه ناشر هر چند حاوی برخی مطالب و مضامین مهم درباره مکتب فرانکفورت، کتاب و آراء نویسنده آن است، اما به‌خاطر داشتن جمله‌های طولانی، نارسا و پر از عبارات معترضه چندان که باید مفید واقع نشده است. البته در بخش انتهایی این دیباچه، چند نکته مفید یا مهم با صراحت بیشتری بیان شده‌اند.

### بررسی شکلی

متن اصلی، در عین فشردگی و پیچیدگی مباحث، از استحکام، روانی و رسایی نسبی و قابل قبولی برخوردار بوده است. در حال حاضر، متن ترجمه شده آنچنان که باید روان و رسا از کار درنیامده است (احتمالاً بیشتر به خاطر کم تجربگی و عدم تسلط مترجم بر این کار و برگردان متونی از این دست است).

#### نمونه‌ای از جمله طولانی

- صفحه ۳، سطر دوم به بعد: «این مکتب گرچه تا آغاز و در اصل کانونی برای پژوهش آن بخش از نظریه‌های مارکسیستی بود که در سال‌های نخست تأسیس جمهوری وایمار پدید آمده بود، در آثار پیشکسوتان آن مانند نوشته‌های نخستین هورکهایمار در دهه ۴۰ - ۱۹۳۰ تا جدیدترین آثار یورگن هابرماس پیوسته پیوستگی مبهم بر جریان اصلی مارکسیسم غربی دیده می‌شود».

- صفحه ۱۱، سطر پنجم: «ناگفته نماند که در این میان مارکوزه بیشتر از هورکهایمر (که در این زمان در سویس گوشه عزلت گزیده بود) و یا آدورنو (که پس از دوران تبعیدش در آمریکای شمالی و اوضاع دگرگون شده آلمان پس از جنگ، از تندروی‌اش سخت کاسته شده بود) نماینده اصلی شکلی نو از اندیشه انتقادی مارکسیستی گشت».

#### نمونه‌ای از جمله مبهم

- صفحه ۴، پاراگراف آخر: «این نظریه انتقادی نسبت به جریان غیرعقلایی شدن که بر ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی غلبه یافته و بازتابی که بر پندارهای مذهب اصالت تحصیل و دانش‌گرایی بر جای نهاده بود سخت علاقه‌مند شد».

#### نمونه‌ای از جمله‌هایی که روان نیستند:

- صفحه ۱۰، پاراگراف آخر: «هنگامی که مؤسسه در سال ۱۹۵۰ به فرانکفورت بازگشت، اندیشه‌های اصلی نظریه انتقادی آشکارا در شماری از

## مکتب فرانکفورت ۲۹۱

نوشته‌های اساسی آن تشریح شده و مکتب فرانکفورت، اعمال تأثیری اساسی بر اندیشه اجتماعی آلمان را آغاز کرد».

- صفحه ۹۶، سطر پنجم: «این بی‌توجهی، با برداشتی که مکتب فرانکفورت به هنگام تکوین خود زیر تأثیر آدورنو و هورکهایمر از نظریه اجتماعی داشت و آن‌را تنها یا بیشتر نقد دوران معاصر تلقی می‌کرد، تطبیق می‌کرد».
- صفحه ۱۲، سطر سوم: «در فصل‌های بعد به سه واپسین دوران از چهار دورانی که متمایز گردید توجه خواهیم کرد».

علی‌رغم اینکه لیستی از اشکالات حروف نگاری در متن کتاب را مترجم یا ناشر کتاب تهیه و از خواننده خواسته‌اند، قبل از مطالعه کتاب، اغلاط را تصحیح نماید، از لحاظ ویرایشی و نگارشی نقایصی مانند: غلط حروف نگاری؛ عدم رعایت فاصله بین کلمات؛ عدم استفاده از علامت «،» در جای مناسب؛ استفاده همزمان از «.» و حرف عطف «و»؛ استفاده همزمان از «،» و حرف عطف «و» دیده می‌شود.

### غلط تایپی

- صفحه ۳، سطر ششم: پیوستگی بی
  - صفحه ۱۱، سطر هفتم: درگگون به جای دگرگون
  - صفحه ۱۰۹، سطر ششم: تزنز به جای ترنز
- عدم رعایت فاصله بین کلمات
- صفحه ۳، سطر سوم: بودکه
  - صفحه ۶۷، پاراگراف آخر، سطر چهارم: ودراین و... .
- عدم استفاده از علامت «،» در جای مناسب
- صفحه ۷، سطر ماقبل آخر: بعد از کلمه شکل گرفت.
- استفاده همزمان از «.» و حرف عطف «و»
- صفحه ۶۷، پاراگراف آخر، سطر چهارم: دست نیافته بودند،افزایش دادند. ودراین میان

استفاده همزمان از «،» و حرف عطف «و»

- صفحه ۱۰۸، سطر سیزدهم: عقل نظری است، و استدلال نه ...  
فونت و سایز قلم انتخاب شده برای متن کتاب معمولی است. تناسب اندازه قلم استفاده شده در متن اصلی و زیرنویس رعایت نشده است. صفحه‌آرایی در حد متوسط است. سرصفحه انتخاب شده برای کتاب یکدست نیست. صحافی معمولی است که البته با توجه به حجم کتاب (۱۳۶ صفحه) و قطع کتاب، از این لحاظ مشکل خاصی وجود ندارد.  
روی جلد طرح خاصی که نشان‌دهنده عنوان کتاب یا حتی ناشر آن باشد، دیده نمی‌شود و تنها به استفاده از ترکیب چند رنگ در کنار هم (قهوه‌ای، خردلی و کرم) بسنده شده است.  
این اثر به عنوان منبع کمکی و مکمل در درس‌های «نظریه‌های جامعه‌شناسی» و «بینش‌های جامعه‌شناسی» و به عنوان یکی از منابع باتومور (به عنوان یک جامعه‌شناس معاصر) در درس «بررسی آثار صاحب‌نظران جامعه‌شناسی» قابل استفاده است. هر چند، کتاب مستقل و اصلی هیچ کدام از دروس مزبور نیست

### بررسی محتوایی

در متن اصلی با توجه به تسلط نویسنده بر حوزه مورد بحث، مفاهیم و اصطلاحات تخصصی به خوبی و به جا به کار رفته‌اند. (عمدتاً اصطلاحات مرتبط با نظریه مارکسیستی و گرایش‌های نومارکسیستی بعدی در قرن بیستم و نظریه انتقادی و گرایش‌های جامعه‌شناختی مرتبط با آن، به خصوص مکتب فرانکفورت).  
کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی اثر چندان که باید رضایت‌بخش نیست. این کار با تسلط و پختگی لازم انجام نشده است.  
صفحه ۱۱، پاراگراف آخر، سطر ششم: تقرب به جای رویکرد  
صفحه ۱۴، مذهب اصالت نو = positivism و لیبرالیسم = liberalism  
صفحه ۲۴، شخصیت مقتدر = The totalitarian personality

در کتاب سه مقدمه از ناشر؛ مترجم و نویسنده و یک بخش نتیجه‌گیری (ارزیابی منتقدان) وجود دارد. همچنین، به خصوص در متن اصلی مجموعه قابل توجهی از زندگی‌نامه‌های اعضای مکتب فرانکفورت آورده شده که برای مطالعه یک کتاب تحلیلی - تاریخی در خصوص یک مکتب نظری و پژوهشی بسیار لازم و مفید است. ضمناً در انتهای کتاب اصلی بخش‌هایی به نام «پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر، یادداشت‌ها و فهرست راهنما» وجود داشته که متأسفانه در این ترجمه اثری از آنها دیده نمی‌شود. به جز آنچه گفته شد، از سایر ابزارها مانند: تمرین و آزمون، نمودار، جدول، آمار، مقایسه، تصویر و نقشه استفاده نشده است که البته در کتابی با ماهیت مباحث نظری و تاریخی استفاده از برخی از آنها چندان ضرورت ندارد. این کتاب با توجه به محتوای خود، فقط به طور جزئی در بخش‌هایی از درس «نظریه‌های جامعه‌شناسی (۲)» در کارشناسی یا مقطع بالاتر و «بررسی آثار صاحب‌نظران جامعه‌شناسی» به عنوان اثری از باتومور در کنار سایر منابع قابل استفاده است. در نتیجه، صرفاً مطابقتی جزئی و اندک با اهداف کلی دروس مزبور دارد.

محتوای اثر با عنوان آن (مکتب فرانکفورت) و فهرست آن، که در جهت توضیح شکل‌گیری و تحولات و نقش این مکتب است، کاملاً مطابقت دارد.

به عنوان یک منبع کمکی و مرجع برای مباحث جامعه‌شناسی انتقادی، نظریه‌های نئومارکسیستی، و به خصوص مکتب فرانکفورت، قابل استفاده است (بیشتر برای استاد و به صورت منبع تحقیق و کنفرانس برای دانشجوی). شاید نوآوری کتاب را بتوان در ارزیابی جایگاه مباحث و پژوهش‌های مکتب فرانکفورت در بستر کلی‌تر نظریه‌های مارکسیستی، انتقادی و جامعه‌شناسی دانست. به خصوص در مورد اول (نظریه‌های مارکسیستی).  
نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر بسیار خوب است.

از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. هر چند، متأسفانه مترجم نه در متن یا پانوشته‌ها و نه در انتهای کتاب، منابع پرشمار مورد استفاده نویسنده را ذکر نکرده است که این امر از نقایص جدی متن ترجمه به شمار می‌رود.

با توجه به نبود منابع در کتاب، به شرحی که گفته شد، در این خصوص نمی‌توان بر اساس متن ترجمه شده داوری کرد. اما بر اساس ترجمه دیگر این اثر از آقای حسنعلی نوذری می‌توان دقت در استنادات و ارجاعات اثر را بسیار خوب ارزیابی کرد.

جهت‌گیری کلی باتومور هر چند تا حد زیادی آکادمیک و محققانه است، اما کم و بیش نوعی حس همسویی مثبت و همدلی با نظریه مارکسیستی و ضرورت توسعه مبتنی بر بازسازی درست آن را همراه با خرده‌گیری بر فرانکفورتی‌ها که نتوانستند و در مواردی نخواستند چنین نقشی را ایفا کنند، در کار وی می‌توان مشاهده کرد.

این اثر بیشتر یک کتاب نظری و انتقادی در خصوص یک مکتب فکری مربوط به دهه‌های پیشین است. البته از آن حیث که به توسعه و تعمیق بینش فلسفی و نظری اصحاب این رشته کمک می‌کند، خواندن آن با داشتن پیشینه مناسب و رویکرد انتقادی مفید است.

ترجمه انجام شده ناقص است زیرا بخش‌هایی از کتاب شامل منابع، یادداشت‌های مترجم، پیشنهادهایی برای مطالعه بیشتر و نمایه ترجمه نشده است.

متأسفانه ترجمه آنچنان که باید روان و رسا نیست و از این حیث، نسبتاً ناپختگی و ضعف در کار مترجم فراوان است.

در متن کتاب یا پانوشته‌های آن منابع یا یادداشت‌های کتاب ترجمه نشده‌اند و توضیحاتی از مترجم نیز دیده نمی‌شود، مگر پیشگفتار کوتاهی در ابتدای کتاب و تهیه زندگی‌نامه چند نفر از اصحاب این مکتب در انتهای اثر که به جای زندگی‌نامه‌های نوشته شده نویسنده آورده شده‌اند. توضیح اینکه در متن اصلی زندگی‌نامه پنج نفر از اعضای پیشتاز مکتب فرانکفورت (ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، یورگن هابرماس، هربرت مارکوزه و فردریش

## مکتب فرانکفورت ۲۹۵

پولاک) آمده، با وجود اینکه مترجم در مقدمه به این امر اشاره می‌کند، اما در پایان کتاب، زندگی‌نامه افراد مذکور حذف و زندگی‌نامه چند نفر دیگر از اعضا و دست‌اندرکاران مکتب (ویتفوگل، لوکاچ، مانهایم، فروم، نویمان، بنیامین، پولاک، گروسمن و کورش) آورده شده است.

### پیشنهادها

از آنجایی که این اثر را در سال ۱۳۷۵ مترجم و انتشاراتی دیگر (حسینعلی نوذری و نشر نی) مجدداً ترجمه و بسیار بهتر از کار درآمده است، می‌توان استفاده از آن را توصیه کرد.





پښتونستان ښار په ښار  
پښتونستان ښار په ښار  
پښتونستان ښار په ښار